

اشاره:

در میان آزادی‌های انسانی، آزادی نظر و بیان و آزادی عقیده، وجدان و مذهب از جمله آزادی‌های اساسی بشر هستند که بدون تامین آنها بشر بودن منتفی تلقی میشود چرا که بشر متمایز از سایر موجودات به فکر و اندیشه و عقل نمی‌تواند از آزادی‌ها و حقوق مرتبط با این ذات انسانی بی‌بهره باشد. آزادی بیان در هر عصر جلوه‌های مختلفی داشته و دارد چنانچه امروزه بهره‌مندی از آزادی بیان پیوندی عمیق با فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات پیدا کرده است و همین امر موجب شده که جلوه آزادی بیان انسان در رسانه‌های نوین را برخی حقوقدانان از باب حقی‌گرایی و جمعی یعنی «حق بر ارتباطات» نیز مطرح کنند که مبانی تحلیلی حقوقی متفاوتی با مباحث کلاسیک مربوط به آزادی بیان دارد. نوشته فشرده حاضر که قبلاً متن اولیه آن در سال ۱۳۹۳ از سوی نویسنده برای مجله حقوق زنان آماده شده است اخیراً با اصلاحات و مواد تکمیلی به بهانه برخی مصادیق اخیر قابل بحث در حیطه محدوده‌های آزادی بیان در کشورمان ارائه گردیده که می‌تواند برای علاقمندان به موضوع مطالعه آن قابل استفاده باشد.

یادآوری می‌نماید که در خصوص آزادی بیان آثار تحقیقی مناسبی در کشور ما طی یک دهه اخیر چه در قالب مقاله یا پایان‌نامه در سطوح کارشناسی ارشد و دکترا یا کتاب تدوین شده است که علاقمندان به تتبع بیشتر در این زمینه می‌توانند با جستجویی ساده در این مورد مطالعات و آگاهی‌های خود را تعمیق بخشند.

با آروزی توفیق بیشتر برای نویسنده و بدون هر گونه داوری محتوایی در خصوص یادداشت تحلیلی حاضر، عین مطلب تقدیم میشود.

امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

«آزادی نظر و بیان: فرصت‌ها و مرزهای ممنوعه»

تقریر: زهرا جعفری

دانش پژوه دکترای حقوق بین الملل و وکیل دادگستری

چکیده

گسترش شبکه‌های اجتماعی نتیجه‌ی تحولی است که در شکل ابزارهای آزادی بیان حاصل شده است و از دیگر سو حضور فعال زنان در این شبکه‌ها و استفاده از فرصت‌های فضای مجازی نقشی به‌سزا در آگاه‌سازی، ارتقای عزت نفس، خودباوری، توانمندشدن و انعکاس خواسته‌ها و مطالبات ایشان داشته است. مع الوصف پیش از ورود به مفهوم شناسی شبکه‌های اجتماعی و شناسایی دستاوردها و کاستی‌های پیش روی آن، لازم و بلکه ضروری است با مفهوم آزادی بیان و عناصر تشکیل دهنده‌ی آن و نیز محدودیت‌های قانونی وارد بر این نوع از آزادی آشنا شویم؛ لذا یادداشت حاضر بر آن است در قالب دو گفتار، مفهوم‌شناسی آزادی بیان و عناصر تشکیل دهنده‌ی آن و نیز محدودیت‌ها و مرزهای ممنوعه‌ی این حق را بررسی نماید تا در پرتو این بررسی، فرصت‌ها و محدودیت‌های وارد بر این حق که خود، به معنی فرصت‌ها و محدودیت‌های وارد بر شبکه‌های اجتماعی است، بازشناسانده شود.

کلید واژه‌ها

آزادی عقیده، آزادی بیان، امنیت ملی، اخلاق عمومی، سلامت عمومی، نظم عمومی، حقوق و حیثیت دیگران.

۱- مقدمه و ضرورت طرح مسأله

داستان زبان و بیان با قصه‌ی آفرینش پیوند خورده است. خداوند، آفرینش جهان را اندیشید و برای تحقق آن از سخن بهره برد؛ سخنی که شنیدنی نبود و صوتی که از تموج هوا حاصل نمی‌آمد. در اندیشه‌های دینی کلام آفریننده، عین فعل اوست و مخلوقات، همگی قول اویند. این سخن حتی وجه تمایز خدای راستین از خدایان دروغین است. خداوند به زبانی مبین متکلم است،

لیکن خدایان کاذب از گفتار عاجزند^۱ و امروز در گذر از تحولات تاریخ، آزادی نظر و بیان با حفظ جایگاه و اهمیت وجودی خود، سنگ بنای جامعه‌ی دموکراتیک به شمار می‌آید^۲ و هم‌چون سایر صور آزادی فردی، حق طبیعی انسان است. هر انسانی، به عنوان این-که انسان است، از چنین حقی برخوردار است و گرچه ذکر و تضمین چنین حقی در قوانین اساسی ضرورت دارد، لیکن قانون‌گذار اعطای حق نمی‌کند؛ بلکه این حق از پیش برای هر شهروندی وجود دارد؛ لذا هر فرد در یک جامعه حتی اگر از اتباع آن کشور نباشد، از این حق برخوردار است و نیز برای بهره‌مندی از این حق رسیدن به سن خاصی شرط نیست، هم‌چنان که هیچ کس نمی‌تواند این حق را از خود سلب کند؛ چرا که سلب آن با از دست دادن گوهر وجود آدمی ملازمه دارد.^۳ از نظر فلسفی و روانی نیز می‌توان چنین گفت که انسان آزاد آفریده شده است و نیاز روانی به بیان افکار و اندیشه‌های خود دارد؛ یا از نظر اجتماعی می‌توان اذعان داشت به این‌که، آزادی نظر و بیان سبب برخورد و تعاطی افکار و رشد و شکوفایی اندیشه‌ها می‌شود. از سوی دیگر زندگی اجتماعی ایجاب می‌کند که برای اجرای هر حق مرزی در نظر گرفته شود تا هم اعمال آن حق، آزادی دیگران را به خطر نیندازد و هم به منافع مشترک مردم و مصالح اجتماع صدمه نزند. پس باید دامنه‌ی اجرای این حق و مرزهای آن را بررسی کرد؛^۴ به گونه‌ای که وضع محدودیت‌های وارد بر دامنه‌ی اجرای حق، سبب سوءاستفاده‌ی مراکز قدرت نشود و مرزهای آزادی را به حداقل ممکن نرساند.

لزوم بازشناسی مفهوم آزادی بیان و محدودیت‌های وارد بر قلمرو اجرایی آن، به‌ویژه زمانی حائز اهمیت مضاعف خواهد بود که توجه نماییم گسترش علوم و فنون و فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی و مصنوعات فناوری بیش از گذشته امکان دست یافتن افراد به ابزارهای بیان افکار و اعتقادات و مطالباتشان را وسعتی به پهنای کره‌ی خاکی و بلکه از آن هم فراتر اعطاء کرده است. در واقع، ابزارهای آزادی بیان که سابقاً در شکل ابزارهای شفاهی و مکتوب؛ از جمله سخنرانی، کتاب، مجله و روزنامه و در بین مخاطبین خاص هر ابزار، قدرت ترکنازی داشت، امروز مرزهای جغرافیایی و مرزهای محدود نوشتاری و گفتاری گذشته را درنوردیده و در اشکال مختلف و سهل‌الوصول وب، وبلاگ، شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و تلفن‌های همراه و غیره قدرت ظهور و عرض اندام یافته است. این ابزارهای نوین ارتباطاتی و اطلاعاتی خصوصاً توسط گروه‌های آسیب‌پذیر، آن‌ها که در همیشه‌ی تاریخ در کنج عزلت‌گاه‌ها منزل گزیده بودند و امکان و یاری بیان مطالبات و نیازها و خواست‌های قانونی و انسانی خود را نداشتند و یا به سختی به آن نائل می‌آمدند، در شکل گسترده مورد استفاده قرار گرفته است. از این زاویه، زنان به عنوان بخشی از گروه‌های آسیب‌پذیر که همواره قربانی ناهمسانی‌های تاریخی بوده‌اند، این ابزارها و این شبکه‌های اجتماعی نوین را به عنوان یکی از راه‌های برتر برگزیده‌اند؛ راهی که آن‌ها را یاری می‌کند ضمن انعکاس نیازها، کاستی‌ها و مطالبات خود، صدای خویش را به گوش دولتمردان رسانده و آن‌ها را در اتخاذ سیاست‌ها و راهبردهای خرد و کلان تأمین‌کننده‌ی این قشر عظیم اجتماع مدد رسانی نمایند؛ لیکن این قسم از مشارکت در اجتماع و بیان نظرات و مطالبات، فی‌نفسه، هم‌چون دیگر تحولات بشری فارغ از نقص و خطا نبوده و بعضاً تبعات منفی را نیز آشخوری نموده است که در اکثر موارد ناشی از عدم آگاهی کاربران از ظرفیت‌های مثبت و منفی این ابزارهای نوین بوده است. حال نظر به ضرورت گشودن راهی بی‌خطر به سمت آینده‌ی پرتحول فناوری‌های نوین، و کاستن از بار منفی تحولات و مصنوعات فناوری، یادداشت حاضر با توری بر موازین بین‌المللی حقوقی، هم‌خود را به بازشکافی عناصر آزادی بیان و مرزهای ممنوعه‌ی آن نهاده است. در زیر شرح بیشتر مطلب خواهد آمد.

۲- قلمرو اجرایی آزادی بیان و خطوط ممنوعی آن

جهت تشریح مفهوم آزادی بیان، به عنوان یکی از ارکان آزادی بیان، بیش و پیش از هر چیز باید اجمالاً مفهوم آزادی را دانست و آن‌گاه آن را بر آزادی بیان تطبیق کرد. موريس کرنستون، در کتاب «تحليل نوین از آزادی» فهرست نسبتاً خوب و البته نه کاملی از این تعاریف را از قول متفکرانی؛ چون هابز، لاک، هیوم، کانت، هگل، هایدگر، اسپینوزا و انگلس نقل کرده است. بر این اساس، پاره‌ای از فیلسوفان، آزادی را به مفهوم رهایی از هرگونه قید و بند دانسته‌اند و جمعی دیگر آن را اطاعت از عقل و احترام به قانون معنی کرده‌اند؛ لذا این واقعیت؛ یعنی لزوم وجود آزادی و لزوم ترسیم حدودی برای آن از همه‌ی تفکرات فلسفی، اجتماعی و دینی شکل گرفته پیرامون این مفهوم و نیز در مقررات موضوعی مرتبط به آن به خوبی بر می‌آید. برای دیدن ردپای هر دو تعریف آزادی که در دو سوی طیف واقع شده‌اند، کافی است به تفکرات کانت اشاره کنیم، آن‌جا که سخن از آزادی معقول می‌گوید و اصل ستایش آزادی را با قید معقول بودن آن جمع می‌کند و حتی استوارت میل که در رأس حکیمان آزادی گراست، در عین سخن گفتن از آزادی مطلق، قید عدم اضرار به دیگران را بر آن می‌افزاید.^۵

آن‌چه در مورد مفهوم آزادی به طور کلی در فوق آمد، عیناً در مورد مفهوم آزادی بیان نیز صادق است؛ چرا که آزادی بیان یکی از مصادیق مهم و به تعبیر استوارت میل نخستین قلمرو اصلی آزادی است؛ به عنوان مثال به عقیده‌ی او وجدان شخصی باید آزاد و مطلق باشد و با هیچ قیدی همراه نشود، در نتیجه فکر و عقیده درباره‌ی همه‌ی امور؛ اعم از نظری و عملی و اخلاقی و یا الهی، قلمرو ضروری آزادی است و آزادی بیان و نشر عقاید نیز بخش جدانشدنی آن است. پس از آزادی عقیده و بیان است که او سخن از آزادی پیشه و سلیقه و آزادی ایجاد گروه‌های صنفی و سیاسی، به عنوان دو قلمرو دیگر آزادی به میان می‌آورد. برای وی آزادی بیان چنان مقدس است که در کتاب «رساله‌ای درباره‌ی آزادی» این‌گونه نگاهشته است: «اگر همه‌ی انسان‌ها یکسان بیندیشند و تنها یک تن با نظر همه مخالف باشد، کار عموم در خاموش کردن اجباری آن یک تن به همان اندازه نارواست که اگر او قدرت داشت و نوع بشر را به زور خاموش می‌کرد». با این وصف، او در جای دیگر از کتاب خود می‌نویسد: «زمانی که فرد خاطی، دستورها و مقرراتی را که برای حفظ هموعانش (به طور انفرادی و یا اجتماعی) لازم است، نقض می‌کند و نتایج اعمال زیان‌بخش وی دیگر تنها عاید خودش نمی‌شود، بلکه دامن دیگران را هم می‌گیرد، جامعه به عنوان نگهبان اعضای خود موظف است و باید از او انتقام بگیرد و کام فرد را به نحوی آشکار (فقط به قصد تنبیه) با رنج آشنا سازد». استوارت میل از این هم فراتر رفته و می‌نویسد: «اگر آن شخص به استعدادهای جسمی و روانی خود لطمه زند نه تنها به کسانی که خوشبختی آن‌ها به سلامت او مربوط است لطمه زده بلکه خدماتی را هم که ممکن بود اجتماع از آن بهره‌مند شود انجام نداده و شاید به ناچار سربار دیگران شود». چنان‌چه ملاحظه می‌شود در نظر این حکیم آزادی‌گرا و دیگر حکیمان و متفکران هر دو جنبه‌ی فوق از آزادی؛ یعنی اصل پذیرش آزادی بیان و ترسیم حدودی برای آن دیده می‌شود.^۶ با عنایت به توضیحات فوق از مفهوم آزادی، ذیلاً و در قالب دو مبحث جداگانه، ابتدا به بازشناسی مفهوم آزادی بیان می‌پردازیم و آن‌گاه محدودیت‌ها و خطوط قرمز وارد بر این نوع از آزادی را به اجمال معرفی می‌نماییم.

۲-۱. مفهوم شناسی آزادی بیان

آزادی عقیده و بیان رابطه‌ی تنگاتنگی با یکدیگر دارند؛ به نحوی که آزادی بیان وسیله‌ای برای تبادل و توسعه‌ی عقیده به شمار می‌آید.^۷ این آزادی امکان بهره‌مندی کامل از دیگر حقوق بشر؛ از جمله آزادی تجمعات و یا حق رأی را فراهم می‌سازد.^۸ بر این اساس، در ارائه‌ی تعریفی که دربردارنده‌ی عناصر آزادی بیان باشد، باید نهایت دقت و ظرافت را به خرج داد؛ لذا جهت رعایت جهان‌شمولی در ارائه‌ی تعریف، می‌توان به تعریف مندرج در بند ۲ ماده‌ی ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، توسل جست. به موجب این ماده، آزادی بیان عبارتست از: « آزادی جست و جو، دریافت و اشاعه‌ی اطلاعات و عقاید از هر نوع، بدون توجه به سرحدا؛ اعم از شفاهی، مکتوب، در قالب پرینت و در اشکال هنری یا از طریق دیگر رسانه‌ها، به انتخاب خود». همان‌طور که ملاحظه می‌شود آزادی بیان از شش عنصر و یا از شش جزء که هر یک لازم و ملزوم هم هستند و وجود یکی بدون دیگری معنی ندارد، به ترتیب زیر تشکیل شده است:

- **آزادی جست و جو:** به این معنی که افراد انسانی قادر باشند بدون رعایت مرزهای جغرافیایی به انتخاب آزادانه‌ی خود از کلیه‌ی ابزارهای موجود؛ اعم از شبکه‌های اینترنتی، تلفن‌های همراه و نیز آثار مکتوب و هنری و غیره بهره‌گیرند تا در پرتو آن به جست و جوی اخبار و اطلاعات و دیگر داده‌های مرتبط به حوزه‌های مورد توجه خود دست یابند؛
- **آزادی دریافت:** به این معنی که دارندگان این حق که کلیه‌ی ابنای بشر هستند، باید قانوناً و در اثر انتخاب آزادانه‌ی خود بتوانند بدون در نظر گرفتن محدودیت‌های مرزی با بهره‌گرفتن از تمامی رسانه‌های اطلاع‌رسانی و خبری و نیز دیگر طرق اطلاع‌رسانی، اطلاعات و داده‌های مختلف را دریافت نمایند و بدین ترتیب با عقاید و تفکرات مختلف و بعضاً متضاد آشنایی یابند؛
- **آزادی پخش و اشاعه‌ی اطلاعات:** به موجب این جزء از آزادی بیان، تمامی دارندگان این آزادی باید قادر باشند علاوه بر امکان جست و جو و دریافت اطلاعات، به پخش و اشاعه‌ی عقاید و خواسته‌ها و اطلاعات مورد نظر خود مبادرت ورزند. به طور قطع، این جزء از آزادی بیان؛ یعنی پخش و اشاعه‌ی اطلاعات و عقاید به طرق مختلفی ممکن خواهد شد؛ به این صورت که افراد بشری، هر یک به مقتضای طبیعت، علائق، استعدادها و امکانات خود، شکل و نوع خاصی از ابزارها را جهت اشاعه‌ی عقاید و اطلاعات برمی‌گزینند. برخی از طریق نگارش مقاله و کتب، برخی با راه‌اندازی وبلاگ، برخی با عضویت در شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و شبکه‌های اجتماعی تلفن‌های همراه و برخی نیز از طریق انتشار آثار موسیقایی و هنری و نقاشی به بیان دیدگاه‌های خود می‌پردازند؛
- **انتخاب آزادانه‌ی فرد:** این عنصر اساسی که درون‌مایه‌ی آزادی نظر و بیان را شکل می‌دهد، به این معنی است که افراد باید قادر باشند تا با انتخاب آزادانه و به دور از جبر و تحمیل، با توسل به هر یک از طرق ممکن؛ اعم از مکتوب و یا شفاهی و اعم از اینترنتی و غیره به جست و جوی داده‌های مورد نظر خود و دریافت و اشاعه‌ی آن‌ها مبادرت ورزند؛
- **فرامرزی بودن محدوده‌ی آزادی بیان:** این جزء از آزادی عقیده و بیان به این معنی است که افراد انسانی در محدوده‌ی اعمال و اجرای آزادی بیان خود، محدود به مرزهای جغرافیایی کشور خود نیستند؛ چراکه این محدودیت دامنه‌ی جست و جو، دریافت و اشاعه‌ی عقاید و اطلاعات را نسبت به آن‌ها بسیار محدود خواهد ساخت؛ به نحوی که در اثر و نتیجه‌ی طبیعی این محدودیت، آزادی عقیده و بیان قدرت عرض اندام خود را از دست خواهد داد؛

- **محصور نبودن بیان به نوع خاصی از عقاید و بیان:** طبق این جزء از عناصر تشکیل دهنده‌ی آزادی بیان، جست و جو و دریافت و اشاعه اخبار و اطلاعات را نمی‌توان به نوع خاصی از عقاید و داده‌ها؛ اعم از اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و غیره محدود ساخت؛ این محدودیت که مغایر تکثرگرایی رسانه‌ها و تکثر افکار و عقاید موجود در عرصه‌ی عالم خاکی است، در عمل آزادی عقیده و بیان را محدود به اطلاعات و اخبار گزینشی و دست خورده می‌نماید و بعضاً دارندگان این حق را به سمت خود حذفی سوق خواهد داد؛
- **نامحدود بودن ابزارهای بیان؛** این عنصر آزادی نظر و بیان به این معناست که دارندگان این حق، می‌توانند حسب انتخاب، سلیقه، توانایی، استعداد، دانش و مهارت خود نوع خاصی از ابزارها را برای جست و جو، دریافت و اشاعه‌ی داده‌های مورد نظر خود برگزینند؛ از جمله این ابزارها می‌توان به مجله، کتاب و سخنرانی، آثار هنری؛ نظیر طراحی، خطاطی و نقاشی و ظرفیت‌های اینترنتی؛ اعم از وب، وبلاگ، شبکه‌های اجتماعی و غیره نام برد.

۲-۲. خطوط ممنوعه‌ی آزادی بیان

تأمل در اجزاء سازنده و عناصر اساسی آزادی نظر و بیان مؤید این استدلال است که تمامی ابنای بشر به دلیل انسان بودن و برخورداری از کرامت برابر می‌توانند در مقام اعمال آزادی نظر و بیان، بدون محدودیت‌های مرزی، از طریق ابزارهای منتخب خود، به جست و جو، دریافت و پخش اخبار و اطلاعات از هر نوع، مبادرت ورزند؛ لیکن تعمق در آنچه پیرامون ما می‌گذرد، نشانگر این واقعیت نامبارک است که بعضاً افراد در مقام اجرا و اعمال این حق بنیادین خود، محدوده‌های ممنوعه را درنور دیده و اعمال این حق را ابزاری برای سرکوب دیگر عقاید و نظرات قرار داده‌اند و یا از طریق اعمال غیراصولی این حق، به محدوده‌ی محترم حریم دیگران وارد شده و حقوق ایشان را نقض نموده، افراد انسانی را آماج افتراء و توهین قرار داده، به فساد مالی، قاچاق انسان، هرزه‌نگاری کودکان، زیر سؤال بردن تقدس ادیان و مذاهب، به سخره گرفتن اندیشه‌های مذهبی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی متعلق به غیر، انگاره‌ها و هنجارهای مرسوم گروه‌های انسانی روی آورده، مطالب خلاف واقع اشاعه نموده و نظم عمومی را با پراکندن آمار و داده‌های غیرواقع، در معرض تشویش قرار داده‌اند؛ ملاحظه‌ی این مصائب، نظام حقوق بشر ملل متحد را بر حذر داشت از این که صرفاً به بیان اجزاء و عناصر سازنده و ضروری این حق بسنده نموده و چشم خود را بر مناطق ممنوعه‌ی این حق ببندد؛ مناطقی که هیچ فردی با هیچ توجیهی نباید و نمی‌تواند مرزهای آن را بشکند. لیکن قبل از ورود به بازشکافی محدودیت‌هایی که نظام حقوق بشر ملل متحد بر این حق اعمال نموده است؛ جا دارد نظام‌های حقوقی حاکم بر آزادی بیان را معرفی نماییم و سپس محدودیت‌های مقرر در نظام حقوق بشر ملل متحد را از نظر بگذرانیم:

۲-۲-۱. نظام حقوقی آزادی بیان

در قالب دو مبحث زیر شرح مطلب خواهد آمد.

الف: نظام تنبیهی

در این نظام شهروندان بی‌وجود هیچ گونه محدودیتی آزادی‌های شناخته شده توسط حقوق موضوعه را اعمال می‌کنند، بدون آن که مکلف باشند از مقامات اجرایی یا قضایی کسب اجازه کنند. تنها محدودیتی که وجود دارد آن است که شهروندان به هنگام اجرای حقوق اساسی خویش باید محدودیت‌های مقرر شده به وسیله‌ی قانون را رعایت کنند؛ یعنی مشخصاً نباید مرتکب یک سلسله جرایم معینی شوند و اگر این محدودیت‌ها رعایت نشود، این دادرس قضایی است و نه مقام اجرایی، که ضمانت اجراهای مقرر در قانون را در مورد متخلفین اعمال می‌کند؛ برای مثال، نظام آزادی‌های مطبوعات تحت

نظام تنبیهی آن است که انتشار یک روزنامه نیازی به کسب مجوز ندارد و انتشار مقاله در آن روزنامه از قبل تحت هیچ کنترل و حذفی نیست؛ لیکن نویسنده نباید مرزهایی را که قانون تجاوز از آن‌ها را به عنوان جرم تلقی کرده است، نقض کند؛ و گرنه به حکم دادرس مجازات خواهد شد؛ البته در نظام تنبیهی ممکن است استفاده از برخی اشکال آزادی بیان؛ نظیر آزادی مطبوعات موکول به اعلام قبلی به مقامات قضایی یا اجرایی یا ثبت نام در دفتر مخصوص باشد؛ اما این امر سبب تبدیل نظام تنبیهی به یک نظام بازدارنده نمی‌شود. نظام تنبیهی نیازمند شرایطی است؛ خصوصاً این که جرایمی که محدودی آزادی بیان را تعیین می‌کنند باید کاملاً معلوم باشند و به یک شیوه‌ی کاملاً دقیق تعریف شده باشند تا امکان سوءاستفاده از آن‌ها وجود نداشته باشد؛ در غیر این صورت، جرایمی که به شیوه‌ی مبهمی انشاء شده‌اند، منجر به از بین رفتن آزادی بیان خواهند شد.^۹

ب: نظام بازدارنده

در این نظام، شخص مالک رفتارهای خود نیست؛ چراکه قبل از اعمال و اجرای آزادی‌ها، مکلف به تحصیل اجازه‌ی قبلی است. درخواست تحصیل اجازه نیز معمولاً از یک مقام اجرایی می‌شود و این مقام است که در هر مورد، اجازه‌ی اعمال و اجرای آزادی‌ها را به شهروندان می‌دهد و گاه حتی در صورت لزوم، همین مقام اجرایی اعمال آزادی‌ها را متوقف می‌سازد. و در صورت وجود شرایط مبهم مقرر در قانون؛ نظیر «داشتن صلاحیت اخلاقی» دست مقام اجرایی در اعطای مجوز آزاد می‌باشد. البته وجود نظام بازدارنده نافی نظام تنبیهی نیست؛ یعنی این امر که اجازه‌ی قبلی از مقام اجرایی تحصیل شده است، مانع از آن نیست که قاضی دادگستری دارنده‌ی چنین مجوزی را در مقام اعمال آزادی به سبب ارتکاب جرایم یا مسئولیت مدنی محکوم کند. طبیعی است که نظام بازدارنده که استفاده از حق آزادی بیان را به تحصیل مجوز قبلی مشروط می‌کند با روح آزادی‌خواهی مخالف است. این امر که شهروندان برای استفاده از حقوق طبیعی خود نیازمند کسب مجوز باشند، قابل پذیرش نیست؛ لیکن معمول است که برخی از اشکال آزادی بیان را تحت نظام بازدارنده قرار می‌دهند. برای مثال در بسیاری از کشورها آزادی برپایی تئاتر را تحت نظام بازدارنده قرار می‌دهند.^{۱۰}

۲-۲-۲. نظام محدودسازی در نظام حقوق بشر ملل متحد

ماده‌ی ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی پس از تبیین مفهوم آزادی بیان در بند دوم خود، با صراحت و شفافیت در بند سوم اذعان دارد بر این که بهره‌مندی از حق آزادی بیان همراه با تعهدات و مسئولیت‌های خاصی است که توسط قانون وضع شده است و برای حفظ حقوق یا حیثیت دیگران و نیز حمایت از امنیت ملی، نظم عمومی، اخلاق یا سلامت عمومی ضرورت دارد.

همان‌طور که تعمق در محدودیت‌های مقرر میثاق، این کلیدی‌ترین سند لازم‌الاجرای بین‌المللی نشان می‌دهد، اعمال حق آزادی نظر و بیان را نمی‌توان محدود ساخت؛ مگر این که این محدودیت برای حفظ حقوق یا حیثیت دیگران و یا برای حمایت از امنیت ملی، نظم عمومی، اخلاق یا سلامت عمومی ضرورت داشته و متناسب با خطری باشد که از زاویه‌ی اعمال آزادی بیان حاصل می‌شود. بر این اساس، از منظر موازین بین‌المللی هرگونه محدودیت بر وب، بلاگ و دیگر نظام‌های اطلاع‌رسانی باید در چهارچوب تعریف شده در بند ۳ ماده‌ی ۱۹ میثاق باشد.^{۱۱} حال عناصر موجهی این محدودیت را می‌توان در سه عنوان تقسیم نمود؛ این سه عنصر لازم و ملزوم یکدیگرند؛ به نحوی که برای اعمال محدودیت بر گستره‌ی

آزادی نظر و بیان، هر سه عنصر باید جمع باشد و با فقدان حتی یکی از این عناصر، نمی‌توان بر گستره‌ی این آزادی، محدودیت اعمال نمود. در زیر شرح مطلب خواهد آمد.

- **محدودیت از طریق وضع قانون:** پیشگیری از بروز خودکامگی و اعمال سلیق شخصی در محدودسازی مرزهای آزادی بیان مستلزم آن است تا محدودیت‌های وارده به موجب قانون مصوب مراجع قانون‌گذاری تعریف و به اطلاع همگان رسانده شود تا تمامی شهروندان با اطلاع از بایدها و نبایدهای قانونی که به طور صریح و شفاف تدوین و تعریف شده است، مرزهای ممنوعه را شناسایی نمایند و از تعرض به آن خودداری ورزند؛ به عبارت دیگر، این قانون باید مُنَجَز و برای عموم قابل دسترس باشد تا افراد بتوانند رفتار خود را با آن منطبق سازند و تشخیص دهند چه اظهاراتی محدود و چه اظهاراتی مقید به محدودیت نیست.^{۱۲} لیکن نکته‌ای که ذکر آن حائز اهمیت است این که به موجب بند ۲ ماده‌ی ۲۸ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، این قانون باید در جامعه‌ی دموکراتیک وضع شده باشد؛ به این معنی که نمایندگان منتخب و واقعی مردم در مراجع قانون‌گذاری مبادرت به تدوین این قانون نموده باشند و حقوق و امنیت ملی و نظم و اخلاق یا سلامت عمومی نیز که این قانون محدودیت زاء، در مقام حمایت از آن است، نباید و نمی‌تواند متضمن نابرابری بین افراد باشد؛^{۱۳} به عبارت دیگر آن حقوق و امنیت و سلامت عمومی نیز خود، باید همسو با منافع کلیه‌ی شهروندان، به طور عام باشد تا اعمال محدودیت بر گستره‌ی آزادی بیان که در مقام حمایت از آن حقوق است، از منظر عرف اجتماع و عقل جمعی مقبولیت داشته باشد و مورد پذیرش و تبعیت واقع شود. گذشته از این مراتب، قوانین محدودیت‌زا باید جهت تأمین حقوق دیگران و نیز امنیت ملی و دیگر موارد مذکور در فوق ضرورت داشته باشند^{۱۴} و تنها ابزار دفاع از آن حقوق و منافع باشند و علاوه بر این، مستمراً مورد بازنگری قرار گیرند تا در صورت عدم ضرورت الغاء شوند؛

- **محدودیت جهت حمایت از حیثیت و حقوق دیگران و یا حمایت از امنیت ملی، نظم عمومی، اخلاق یا سلامت عمومی:** عنصر دوم موجهه‌ی اعمال محدودیت بر گستره‌ی آزادی بیان، ضرورت حمایت از حیثیت و حقوق دیگران و یا حمایت از امنیت ملی، نظم عمومی، اخلاق یا سلامت عمومی می‌باشد؛ برای مثال محدودسازی این حق با هدف حمایت از حق رأی در مواقعی که هدف این محدودیت حمایت از رأی دهندگان در برابر اظهارات متضمن تهدید باشد، مجاز خواهد بود؛^{۱۵} نیز از جمله موارد اخلال در نظم عمومی می‌توان به اظهارات مخل آیین‌های انضباطی دادگاه اشاره نمود؛ البته قواعد محدودیت‌زا در این حوزه، نباید حق دفاع افراد را تضییع نماید.^{۱۶} لیکن در هر حال باید توجه داشت همان‌طور که در فوق معروض افتاد در تشخیص حقوق دیگران نمی‌توان قائل به تبعیض بین افراد شد و یا این حقوق نباید صرفاً منافع گروهی خاص از افراد را تأمین نماید؛ نیز گرچه عبارات امنیت ملی، نظم، اخلاق یا سلامت عمومی، عباراتی کلی و بدون حدود شفاف می‌باشد، اما قانون‌گذار با درایت در تعریف و تدوین قانون، اصول شفافیت را رعایت خواهد کرد و از تدوین قوانین مبهم و نیز تبعیض آمیز و متضمن حمایت از منافع حزب و گروهی خاص خودداری می‌نماید و در تبیین مفاهیم این مقولات، تأمین منافع جامعه، در کلیت خود را مطلق توجه قرار خواهد داد؛

- رعایت ضرورت و تناسب اعمال محدودیت به عنوان تنها ابزار: همان طور که در بند پیشین معروض افتاد، وضع قوانین محدودیت‌زا بر گستره‌ی آزادی بیان، صرفاً آن‌جا توجیه می‌یابد که دارندگان حق آزادی بیان، اعمال و اجرای این حق را به مثابه‌ی ابزاری جهت تخطی از قواعد و هنجارهای اخلاقی و قانونی مورد سوءاستفاده قرار داده باشند و با توسل به این حق به حریم حقوق دیگران تجاوز نمایند و به اشاعه‌ی مطالب خلاف واقع مغایر نظم عمومی و سلامت عامه مبادرت ورزند و لذا قانون‌گذار با درایت جهت حمایت از این مهم، با وضع قوانین شفاف و دارای ضمانت اجرای قانونی، بدون اعمال تبعیض، ناگزیر به اعمال محدودیت متناسب با نوع خطرات حاصله همت نهد.^{۱۷} در واقع محدودیت‌ها نباید موسع باشد و باید منطبق با اصل تناسب باشد؛ این محدودیت‌ها باید با کارکرد حمایتی خود و با منافع مورد حمایت تناسب داشته باشند^{۱۸} و ضرورت و تناسب اقدامات اتخاذی را از طریق برقراری ارتباط مستقیم و فوری بین بیان و تهدید منبعث از آن، مشخص سازند.^{۱۹}

۳- سخن آخر

آزادی نظر و بیان، شرط اساسی رشد کامل فرد انسانی محسوب می‌شود.^{۲۰} تک تک اینای بشر به موجب این حق قادر خواهند بود تا حسب انتخاب خود، فارغ از محدودیت‌های جغرافیایی، به جست و جو و دریافت اطلاعات و داده‌های مورد نظر خود از منابع اطلاع‌رسانی مختلف بپردازند و از سوی دیگر در حصار باریک جست و جو و دریافت محدود نشوند و داده‌های منتخب خود را به طرق متناسب با علائق و مهارت‌های شخصی؛ نظیر شبکه‌های اجتماعی اینترنتی، با دیگران به اشتراک بگذارند. مع الوصف نباید و نمی‌توانند در اعمال و اجرای این حق، مرزهای ممنوعه‌ی آزادی بیان را درنوردند. به دیگر سخن، آن‌گاه که اعمال و اجرایی نمودن این حق با حقوق و حیثیت دیگران اصطکاک می‌یابد و یا امنیت ملی، نظم، اخلاق و سلامت عمومی را آماج حمله و مطالب خلاف واقع قرار می‌دهد، مرز قانونی بایدها و نبایدهای آزادی بیان مورد هتک حرمت قرار می‌گیرد و بالتبع سازوکارهای قانونی مدون، موجود و بی‌طرف از پیش تمهید شده‌ی نظام حقوقی کشور، حریم شکنان را به توقف در ترکنازی‌های نافی مصالح و منافع عامه متذکر خواهد شد.

الف: پانوشتها

۱- ناصر کاتوزیان و همکاران، *آزادی اندیشه و بیان*، تهران، گرایش، ۱۳۸۲، صص ۷۶-۷۵.

۲- **General Comment no ۳۴ on *Freedom of Opinion and Expression* (Article ۱۹ of the Civil and Political Rights Covenant)**, para ۲, ۱۱-۲۹ July ۲۰۱۱.

۳- ناصر کاتوزیان و همکاران، منبع پیشین، صص ۱۰۴-۱۰۳.

- ۴- همان منبع، ص ۷.
- ۵- همان منبع، صص ۲۰۳-۲۰۵.
- ۶- همان منبع، صص ۲۰۵-۲۰۷.
- ۷- **General Comment No ۳۴, Ibid.**
- ۸- Op. cit, para ۴.
- ۹- ناصر کاتوزیان و همکاران، منبع پیشین، صص ۱۲۱-۱۲۲.
- ۱۰- همان منبع، صص ۱۲۲-۱۲۳.
- ۱۱- **General Comment No ۳۴, ibid, para ۴۳.**
- ۱۲- **General Comment No ۳۴, ibid, para ۲۵.**
- ۱۳- **Ibid, para ۲۶.**

۱۴- مطالب مندرج در این بند، از مبحث آزادی عقیده و بیان کتاب زیر استخراج شده است:

Joseph Sarah, Schultz Jenny and Castan Melissa, *The International Convent on Civil and Political Rights*, (Oxford University Press, ۲۰۰۲).

۱۵- **General Comment No ۳۴, ibid, para ۲۸.**

۱۶- **General Comment No ۳۴, ibid, para ۳۱.**

۱۷- **General Comment No ۳۴, ibid, para ۲۲.**

۱۸- **General Comment No ۳۴, ibid, para ۳۴.**

۱۹- **General Comment No ۳۴, ibid, para ۳۵.**

۲۰- **General Comment No ۳۴, ibid, para ۲.**

ب: فهرست منابع

- ۱- کاتوزیان. ناصر و همکاران، *آزادی اندیشه و بیان*، تهران، گرایش، ۱۳۸۲.
- ۲- *The International Covenant on Political and Civil Rights*, ۱۹۶۶.
- ۳- General Comment no ۳۴ on *Freedoms of Opinion and Expression (Article ۱۹ of the Civil and Political Rights Covenant)*, July ۲۰۱۱.
- ۴- Joseph Sarah, Schultz Jenny and Castan Melissa, *The International Convent on Civil and Political Rights*, (Oxford University Press, ۲۰۰۲).
- ۵- www.ohchr.org.
- ۶- www.ohchr.org/english/bodies/hrc/index.htm.